

بررسی ناهنجاری‌های رفتاری در دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان اردبیل و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن

دکتر محسن علایی^۱

رسول آزاد^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۲۳

چکیده

«مطالعه ناهنجاری‌های رفتاری دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان اردبیل و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن» در سال ۱۳۸۸ آغاز شد. به این منظور از بین ۶۹۴۵ دانش آموزان دختر و پسر رشته های ریاضی، تجربی و انسانی ۱۴۹ نفر پسر و ۲۱۷ نفر دختر از طریق نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شد. در این مطالعه رابطه‌ی ناهنجاری‌های رفتاری دانش آموزان با برخی از ویژگی‌های فردی آنان نظیر سن، جنس، پایه و رشته تحصیلی، وضعیت تحصیلی، خود پنداره ی دانش آموزان و وضعیت جسمانی و برخی ویژگی‌های خانوادگی دانش آموزان نظیر بعد خانوار، محل سکونت و نوع مسکن، شغل و تحصیلات والدین، کفایت مادی خانواده، میزان پیوستگی با والدین و نظارت و کنترل خانواده و با برخی از ویژگی‌های اجتماعی دانش آموزان نظیر نوع دوستان و میزان پیوستگی با آنها، نحوه گذراندن اوقات فراغت و پنداشت از جامعه و با برخی از ویژگی‌های مدرسه ای دانش آموزان نظیر پنداشت دانش آموزان از معلم، مدیر و معاونان و امکانات مدرسه بررسی شده است. در انتخاب متغیرها بیشتر از نظریه های صاحب نظران کنترل اجتماعی، یادگیری اجتماعی، فشار ساختاری و خرده فرهنگی استفاده شده است.

داده‌ها به روش پیمایش با استفاده از تکنیک پرسشنامه محقق ساخته از ۱۴ مدرسه جمع آوری و به کمک آزمون‌های پیشرفته آماری (SPSS) در دو قسمت یافته های توصیفی و استنباطی تحلیل شد. یافته های این تحقیق حاکی از آن است که سن، جنس، وضعیت تحصیلی و خود پنداره، کفایت مادی خانواده، نوع مسکن، میزان پیوستگی با والدین و کنترل و نظارت خانواده، نحوه ی گذراندن اوقات فراغت، نوع دوستان و پنداشت دانش آموزان از جامعه، پنداشت دانش آموزان از معلم، مدیر و معاونان مدرسه به عنوان عوامل تأثیرگذار در ناهنجاری رفتاری دانش آموزان شهرستان اردبیل می‌باشند.

واژگان کلیدی: هنجار، ناهنجاری رفتاری، دانش آموز، خانواده، مدرسه، جامعه.

^۱ - دکتری متدولوژی و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور مرکز اردبیل

^۲ - کارشناس ارشد جامعه شناسی و مدرس مدارس و دانشگاه های اردبیل

مقدمه

انسان‌ها در فراز و نشیب‌های تاریخ همیشه از دردها و آسیب‌های اجتماعی بسیار رنج برده‌اند و همواره در جستجوی یافتن علل و انگیزه‌های آن‌ها بوده‌اند تا راه‌ها و شیوه‌هایی برای رهایی از آن‌ها بیابند. از مجموعه‌ی این آگاهی‌ها و تجربه‌ها و آموخته‌ها توانسته‌اند زمینه‌های مطالعاتی و رشته‌های مختلفی را برای تبیین بی‌هنجاری‌ها و نابسامانی‌های زندگی اجتماعی پی‌ریزی کنند. حاصل این کار پیدایی دانش آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات) است. آسیب‌شناسی اجتماعی، مطالعه‌ی بی‌نظمی‌ها و آسیب‌های اجتماعی همراه با علل و انگیزه‌های پیدایی آن‌ها و نیز شیوه‌های پیشگیری و درمان آن پدیده‌ها، به انضمام مطالعه‌ی شرایط بیمارگونه‌ی اجتماعی است؛ زیرا خواستگاه اصلی نابهنجاری را باید در کل حیات اجتماعی و نوع خاص روابط انسانی جستجو کرد. بنابراین، آسیب‌شناسی اجتماعی، عبارت است از مطالعه‌ی نابسامانی و اختلال و نداشتن هماهنگی و تعادل در کارکردهای مربوط به کالبد حیات اجتماعی انسان‌ها (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۶: ۱۱).

ناهنجاری‌های رفتاری یکی از مهم‌ترین مسایل و مشکلات اجتماعی در جوامع گوناگون است و جوامع بشری در طول زمان و به خصوص در قرن حاضر با انواع انحراف‌ها و رفتارهای بزهکارانه مواجه بوده است. در اصطلاح جامعه‌شناسی هنجارها را «الگوهای استاندارد شده رفتار و کردار» می‌گویند (ستوده، ۱۳۸۲: ۲۵).

واقعیت این است که آمارهای رسمی و غیر رسمی و پیدا و نهان، نشان دهنده این است که ناهنجاری‌های رفتاری و مجرمانه در کشور در سال‌های اخیر سیر صعودی پیدا کرده است. قابل تأمل تر از آن، عمومیت یافتن این رفتارها (منظور شیوع آن در مدارس) و کاهش تدریجی سن ارتکاب به آن در بین جوانان (دانش‌آموزان) است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

از دیدگاه جامعه‌شناسی کسی از مادر بزهکار یا کچرو متولد نمی‌شود بلکه بزه تحت شرایط خاص اجتماعی به وجود می‌آید چرا که انسان‌ها تحت تأثیر انواع نهادها، فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها اعم از خانواده، دوستان، مدرسه، دین، اقتصاد، سیاست و نهادهای فرعی دیگر جامعه خویش است به همین

دلیل چگونگی رفتار و انواع تیپ‌های شخصیتی افراد به چگونگی ساختار محیط پیرامون او وابسته است.

با این توصیف ملاحظه می‌گردد که امروزه بزهکاری و انحرافات جوانان دغدغه خاطر و ملال خانواده‌ها و مسئولان جامعه را فراهم نموده است در این میان گریز از قانون و عدم رعایت قوانین و هنجارهای مدرسه و شیوع فزاینده اختلال‌های رفتاری و خراب کاری‌های متعدد دانش‌آموزان که خود یکی از عوامل زمینه ساز گسترش آنومی در سطح وسیع‌تری در جامعه می‌باشد از اهمیت و نمود بیشتری برخوردار شده است. بهم زدن نظم کلاس، درگیری‌های متعدد، فرار از مدرسه، بی‌احترامی و مشاجره با معلم، تخریب اموال مدرسه، استعمال دخانیات، سرقت و پخش فیلم و عکس‌های مستهجن، توسل به زور و ارعاب، حمل چاقو، محرومیت از شرکت در کلاس به دلایل بی‌انضباطی و ده‌ها مورد دیگر تهدیدی جدی برای نظام آموزشی و آفت نظام اجتماعی کل شده است.

در این اثنا مصون نماندن مدارس شهرستان اردبیل از شیوع این بیماری خطرناک اجتماعی ادعایی گراف نخواهد بود. پیچیدگی عوامل مؤثر بر پدیده ناهنجاری‌های رفتاری سبب شده که نظریه‌پردازان و محققان علوم اجتماعی از دیدگاه‌ها و زوایای مختلفی به موضوع نگاه کنند؛ لذا در پژوهش حاضر عوامل موجد ناهنجاری‌های رفتاری در دانش‌آموزان در قالب چهار مقوله: خانوادگی، اجتماعی، مدرسه‌ای و زمینه‌ای با تکیه بر چهار نظریه برجسته جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی: ۱- یادگیری اجتماعی ۲- کنترل اجتماعی ۳- خرده فرهنگی و ۴- فشار ساختاری مورد بررسی قرار گرفتند.

پیشینه‌ی تحقیق

تحقیقات متعددی در رابطه با علل ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است که در بیشتر موارد از نظریه‌هایی استفاده شده است که تحقیق حاضر از آن‌ها پیروی می‌کند.

در تحقیقی تحت عنوان بررسی علل ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان استان لرستان (سخاوت، ۱۳۸۰)، بررسی زمینه‌ها و علل ناهنجاری رفتاری جوانان شهرک رجایی شهر کرج (رئیزی، ۱۳۸۰)، سنجش عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان (مشکاتی، ۱۳۷۰) انجام شده است. متغیرهایی نظیر جنس،

سن، معدل تحصیلی، بیکاری والدین، علقه ی خانوادگی، نظارت والدین، خود پنداری، نظم مدرسه، فقر اقتصادی، نحوه ی گذران اوقات فراغت، حضور پدر و مادر در خانواده، ازدواج نکردن مجدد مادر، آرام بودن محیط زندگی، ناهنجاری دوستان، منزلت اجتماعی والدین از عوامل مؤثر در بروز ناهنجاری رفتاری به دست آمده است.

در تحقیقات خارجی انجام شده در این رابطه، نیز می توان به بررسی تجربی ناظر بر آزمون نظریه ی پیوند افتراقی (جنس، ۱۹۷۲)، فقر اقتصادی و ناهنجاری (السدرو کاسپ، ۱۹۸۸)، آزمون سه نظریه ی متضاد (فشار ساختاری، کنترل اجتماعی و انحراف فرهنگی) در کشف علل ناهنجاری (تراویس هیرشی، ۱۹۶۴)، نوجوانی و ناهنجاری (کازلین، ۱۹۸۹)، عوامل مؤثر بر خشونت و خراب کاری در مدارس (منکر، ۱۹۹۴) اشاره کرد که مجموع نتایج این تحقیق نشان می دهد که عواملی همچون سن؛ جنس؛ پیوستگی با والدین به ویژه پدر، فقر اقتصادی، دوستان بزهکار؛ محله ی جرم خیز، تعلق به طبقات پایین جامعه، قضاوت های اخلاقی دیگران، نوع برخورد مسؤولان در ناهنجاری مؤثر بوده است.

مبانی نظری

الف) آرای متفکران اجتماعی در ایران

از جمله کسانی که اندیشه های متفکران ایرانی را درباره ناهنجاری، مطالعه کرده است دکتر اشرف است. او در کتاب خود با اشاره به شیخ محقق طوسی متفکر اجتماعی نیمه هفتم هجری به نقل از کتاب اخلاق ناصری چنین می نویسد: «نفس انسان آمیخته از نیروهای سه گانه خود، غضب و شهوت است رفتار و کردار آدمی به چگونگی ترکیب این نیروها و برتری یکی بر دیگری بستگی دارد، خرد و اراده از ویژگی های نوع آدمی است و دو بخش دیگر مشترک میان انسان و حیوان و نبات است». تعادل و توازن این نیروها، که همان فضیلت عدالت است، موجب تعادل رفتار و راست کرداری و عدم تعادل میان آنها سبب انواع کژ رفتاری است. شیخ محقق طوسی حتی به نمونه بندی انواع مردم راست کردار و کژ رفتار نیز پرداخته است و آنها را به پنج نمونه تقسیم می کند. نمونه ی پنج، ذاتاً کژ رفتار است و تنها کاری که می توان کرد استفاده از انواع مجازات ها است تا جامعه از شر او در امان باشد (اشرف، ۱۹۵۶، ۱۱۷).

مرتضی مطهری، نیز بین تربیت و فطرت تفاوت قائل است و می‌گوید تربیت، عبارت از پرورش دادن یا به فعلیت در آوردن استعدادهای درونی. او نقش اصلی تربیت را رشد دادن شخصیت فکری و عقلانی و افزایش قدرت تحلیل افراد جامعه در قبال مسایل مختلف جامعه می‌داند و برای آموختن هیچ حد مشخصی قائل نیست (مطهری، ۱۳۶۲: ۱۴۹).

سعدی، نیز در باب نخست گلستان سرشت آدمی را تبیین کننده رفتار او می‌داند و به استعدادهای ذاتی باور دارد (شرف، ۱۹۵۶: ۱۱۷-۱۱۴). البته باید توجه داشت که گرچه سعدی بر سرشت آدمی تأکید روا داشته است لیکن از تأثیر هم‌نشینی بر رفتار آدمی غافل نبوده است (نظریه پیوند افتراقی).

ب) آرای متفکران اجتماعی در غرب

جدیدترین نظریه‌های مربوط به ناهنجاری رفتاری که این تحقیق نیز از آن پیروی می‌کند تقسیم بندی به دو گروه اثبات گرا و برساخت گرا است. اثبات‌گرایان ناهنجاری را پدیده ای واقعی، عینی می‌دانند که می‌توان آن را از سایر رفتارها متمایز، مشاهده و اندازه گیری کرد. علل ناهنجاری را نیز خارج از اراده و اختیار فرد مرتکب شونده می‌دانند. اما رویکرد بر ساخت‌گرایان به ناهنجاری، نسبت گرا و ذهن‌گراست و ناهنجاری را عملی ارادی می‌دانند که با اختیار شخص انجام می‌شود (تیبو، ۲۰۰۱: ۵۵). کلیه متغیرهای این تحقیق با تکیه بر آرای این متفکران این دو رویکرد جامعه‌شناختی انتخاب شده‌اند که اینک به شرح مختصر این نظریه‌ها پرداخته می‌شود.

نظریه‌های کنترل (نظارت) اجتماعی

این نظریه که عمده‌ترین نظریه مورد استفاده در تحقیق حاضر است که به طور کلی از نظریه نظم اجتماعی دورکیم تأثیر پذیرفته است و علت اصلی ناهنجاری رفتاری را نبود کنترل اجتماعی می‌داند. فرض اصلی این است که همچنان که فروید گفته است افراد به طور طبیعی تمایل به ناهنجاری دارند و اگر تحت کنترل قرار نگیرند چنین می‌کنند (رکلس، ۱۹۷۳: ۵۷-۵۵) و کج رفتاری اشخاص، بیش از آنکه ناشی از نیروهای محرک به سوی ناهنجاری باشد محصول عدم ممانعت است (نای، ۱۹۵۸: ۹۳).

تراورس هیرشی، مهم‌ترین صاحب نظر در رویکرد کنترل اجتماعی است. او علت هم‌نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوند اجتماعی آن‌ها دانسته و مدعی است که پیوند میان فرد و جامعه مهم‌ترین

علت هم‌نوایی و عامل کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوندها یا نبود آن علت اصلی کج رفتاری است.

والتر رکلس، از دیگر صاحب نظران عمده در این حوزه نشان داد که رشد دسته ای از حفاظ‌های درونی ممکن است همچون عوامل باز دارنده عمل کند. رکلس بر هدف جویی یا هدف داشتن در مقابل عوامل شخصی اشاره کرده است (هگن، ۱۹۸۵، ۱۶۴). وی همچنین به «پنداشت از خود» و برخی از عوامل دیگر با عنوان عوامل باز دارنده رفتار نابهنجار اشاره دارد.

جان بریتویت، از کنترل افراد توسط جامعه از طریق شرم‌نده سازی مختلف بحث می‌کند و ویلیام تامس، فلورین زنانیکی مدعی‌اند، علت اساسی رفتارهای نابهنجار اجتماعی در افراد را چیرگی ارزش‌های فردگرا بر ارزش‌های جمع‌گرا و بی‌سازمانی خانوادگی و متعاقب آن کاهش کنترل خانواده بر عملکردهای اعضای خود می‌دانند (تامس و زنانیکی، ۱۹۲۷).

نظریه های یادگیری اجتماعی

مجموع صاحب نظرانی که موضوع یادگیری اجتماعی را مطرح کرده‌اند بر این باورند کج رفتاری نتیجه‌ی یادگیری هنجارها و ارزش‌های انحرافی در چارچوب خرده فرهنگ‌ها و گروه‌های همالان است.

ادوین ساترلند، در نظریه‌ی پیوند افتراقی خود معتقد است که رفتار نابهنجار نیز، همچون سایر رفتارهای اجتماعی، در آمیزش با دیگران، آموخته می‌شود. به عبارت دیگر، مردم در هم صحبتی و هم نشینی با افراد منحرف به سمت رفتارهای نابهنجار سوق می‌یابند (ریترز، ۱۳۷۳، ۱۴۰).

دانیل گلنزر، مدعی است که تعامل با کج رفتار، شخص را به طور مکانیکی درگیر امور کج رفتارانه نمی‌کند (گلنزر نظریه ساترلند را رویکردی ماشین انگارانه می‌پندارد) مگر این که به حدی برسد که فرد خود را با کج رفتار، یکی بداند و از آن‌ها هویت بگیرد (گلنزر، ۱۹۵۶).

رابرت برگس مدعی است که صرف پیوند با کج رفتار، کسی را کج رفتار نمی‌کند بنابراین، از نظر او دخالت متغیر سوم یعنی تقویت افتراقی، در فضای پیوند افتراقی، علت اصلی کج رفتاری است (برگس، ۱۹۶۶).

نظریه های خرده فرهنگی

در رویکرد خرده فرهنگی، ناهنجاری رفتاری با توجه به ویژگی‌های خرده فرهنگی اعم از، باورها، اعتقادات، زبان، شیوه‌های قومی، عادات و ارزش‌ها و نظایر آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. پیش فرض اساسی این رویکرد این است که دوستان و گروه‌های همسالان ناهنجار می‌توانند بیشترین همبستگی را با رفتارهای ناهنجار جوانان داشته باشند.

کوهن معتقد است در جامعه‌ای که نابرابری و تبعیض حاکم بوده و حتی منابع اقتدار قانونی مانند معلم، پلیس و دادگاه نیز در بین جوانان طبقه پایین و بالا تبعیض قائل شوند، لذا در چنین جامعه‌ای هر جا که زمینه‌ای برای کسب موقعیت‌ها و فرصت‌ها از طریق قانونی فراهم نباشد به افراد به ویژه جوانان طبقه پایین به رفتارهای ناهنجار دست می‌زنند.

کلووارد و اهلین، معتقدند که خرده فرهنگ ناهنجار جوانان در جاهایی تشکیل می‌شود که امکان دست‌یابی آن‌ها به فرصت‌ها، موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی بهتر از راه‌های مشروع و قانونی است (کی‌نیا، ۱۳۷۰). کی رابرت مرتن، نیز همین موضوع را تحت عنوان ناسازگاری هدف وسیله، در جامعه ابراز نموده است.

نظریه های فشار ساختاری

نظریه فشار ساختاری رفتار ناهنجار را نتیجه فشارهای اجتماع می‌داند که بعضی مردم را وادار به ناهنجاری می‌کند. تعبیر بسیار ساده این نظریه در یک ضرب‌المثل معروف آمده است که «فقر باعث جرم می‌شود.»

امیل دورکیم، تضعیف هنجارهای نظم دهنده به رفتار را «آنومی» یا همان «بی‌هنجاری» می‌نامد. از دیدگاه او «نظم اخلاقی» یا «وجدان اخلاقی» به صورت وجدان جمعی درمی‌آید و امیال سیری ناپذیر انسان را کنترل می‌کند. وقتی تغییرات ساختاری یک ساخت هنجارمند را به هم می‌ریزد، امیال سیری ناپذیر از قید هنجارها آزاد می‌شود، و به آنومی می‌انجامد (دورکیم، ۱۸۹۷).

نظر رابرت مرتون، این است که جامعه، فرد را به ناهنجاری مجبور می‌کند. به بیان خود او، ناهنجاری حاصل فشارهای ساختاری اجتماعی خاصی است که افراد را به کج رفتاری وا می‌دارد (مرتون، ۱۹۶۸).

۱۸۵-۲۴۸). به نظر مرتون، جوامع صنعتی جدید بر توفیقات مادی و تحصیلی در زندگی تأکید دارند اما دست یابی به این اهداف مقبول اجتماعی نیاز به ابزارهای مقبولی هم دارد که البته از دسترس جمعی از افراد خارج است، یعنی جامعه طوری ساخت یافته که طبقات فرودست، فرصت‌های کمتری برای تحقق آرزوهای خود دارند. در نتیجه چون این اهداف به آرمان‌های اصلی زندگی همه افراد (فقیر و غنی) تبدیل شده آن کس هم که دسترسی به ابزار مشروع ندارند، تحت فشار جامعه برای دست یابی به آن‌ها از ابزار نامشروع استفاده می‌کنند (مرتون، ۱۹۶۸: ۱۹۰-۲۱۰).

کوهن، مدعی است که فرزندان طبقه فرودست که مثل دیگر هم سن و سالان خود، از طبقات متوسط جامعه به مدرسه می‌روند و در آنجا با ارزش‌های طبقات متوسط آشنا و طالب منزلت‌های اجتماعی مقبول می‌شوند، در رقابت با هم‌کلاسان طبقات بالاتر خود، در می‌مانند، ناکام و تحقیر می‌شوند و می‌بازند. به نظر کوهن، این فرزندان شکست خورده محروم، از مدارس مروج ارزش‌های طبقات برخوردار به همسایگی‌های محروم خود باز می‌گردند و برای جبران ناکامی خود در رقابت برای دست یابی به منزلت، «خرده فرهنگ» بزهکاری تأسیس می‌کنند که نظام ارزشی آن درست نقطه مقابل نظام ارزشی طبقات برخوردار و فعالیت و رقابت در آن برای آن‌ها ثمربخش است (کوهن، ۱۹۵۵).

فرضیه های تحقیق

- بین سن و ناهنجاری رفتاری دانش آموزان رابطه‌ی معنی داری وجود دارد.
- بین جنسیت و ناهنجاری رفتاری دانش آموزان رابطه‌ی معنی داری وجود دارد.
- بین پایه تحصیلی و ناهنجاری رفتاری دانش آموزان رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین رشته تحصیلی و ناهنجاری رفتاری دانش آموزان رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین توفیق در مدرسه و ناهنجاری رفتاری دانش آموزان رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین پنداشت از خود و ناهنجاری رفتاری دانش آموزان رابطه‌ی معنی داری وجود دارد.
- بین وضعیت جسمانی و ناهنجاری رفتاری دانش آموزان رابطه‌ی معنی داری وجود دارد.
- بین بعد خانوار و ناهنجاری رفتاری دانش آموزان رابطه‌ی معنی داری وجود دارد.
- بین وضعیت والدین و ناهنجاری رفتاری دانش آموزان رابطه‌ی معنی داری وجود دارد.

- بین محل سکونت و ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین تحصیلات پدر و ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین تحصیلات مادر و ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین شغل پدر و ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین شغل مادر و ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین کفایت مادی خانواده و ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین نوع مسکن و ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین میزان پیوستگی با والدین و ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین میزان کنترل و نظارت خانواده و ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین میزان پیوستگی با دوستان و ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین نحوه گذراندن اوقات فراغت و ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین نوع دوستان و ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین پنداشت دانش‌آموزان از جامعه و ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین پنداشت دانش‌آموزان از معلمان و ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.
- بین پنداشت دانش‌آموزان از مدیر و معاونان و ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

- بین پنداشت دانش آموزان از امکانات مدرسه و ناهنجاری رفتاری دانش آموزان رابطه‌ی معنی داری وجود دارد.

روش شناسی تحقیق

این تحقیق به روش پیمایشی، از نوع علی برای بررسی ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته صورت می‌گیرد، که به نظرمی رسد روشی مناسب برای انجام تحقیقات از این دست می‌باشد. در راستای فرضیه های تحقیق با استفاده از روش پیمایشی، اطلاعات در زمینه‌ی خصوصیات خانوادگی، فردی، اجتماعی و مدرسه ای با استناد به پاسخ خود آزمودنی‌ها جمع آوری شده است. واحد تحلیل در این پژوهش (افراد) و مشخصاً (دانش آموزان متوسطه‌ی دولتی شهرستان اردبیل) می‌باشد.

جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری در این تحقیق کلیه دانش آموزان پسر و دختر دبیرستانی (دوم - سوم) شهرستان اردبیل در سه رشته‌ی تحصیلی (ریاضی - تجربی - انسانی) هستند که در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۷ در دبیرستان‌های دولتی شهرستان اردبیل مشغول به تحصیل هستند. لازم به ذکر است که مدارس شاهد و ایثارگران، مراکز پیش دانشگاهی، نمونه دولتی، هنرستان‌ها، مدارس از راه دور و استثنائی و نظایر این‌ها مشمول این تحقیق نمی‌باشند. پس از استعلام از سازمان آموزش و پرورش استان اردبیل ۴۳ دبیرستان پسرانه و دخترانه با شرایط فوق در شهرستان وجود دارند که در مجموع ۶۹۴۵ دانش آموز و از این تعداد ۲۸۳۶ نفر پسر و ۴۱۰۹ دختر در این مدارس مشغول به تحصیل می‌باشند.

نمونه آماری و روش نمونه گیری

نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران با تکیه بر جدول مورگان ۳۶۶ نفر است که متناسب با وزن جنس، پایه و رشته تحصیلی در بین نمونه آماری توزیع شد. بر این اساس، شیوه نمونه گیری در این تحقیق از نوع نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای منطبق است.

نوع تحقیق پیمایشی و تکنیک اصلی گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. روایی و پایایی پرسشنامه (با آلفای کرونباخ 0.83) در مرحله پیش‌آزمون بالا به دست آمد. در تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است.

میزان ناهنجاری رفتاری در دانش‌آموزان پایین است. بیشترین میزان ناهنجاری رفتاری آنان غیبت غیر موجه از مدرسه که در رتبه اول است و بعد از آن به ترتیب حمل فیلم و تصاویر غیر مجاز، مورد سرزنش عوامل مدرسه قرار گرفتن، تخریب اموال مدرسه، زد و خورد با عوامل مدرسه، حمل چاقو و سایر سلاح‌های سرد، محرومیت از شرکت در کلاس به دلایل بی‌انضباطی، استعمال دخانیات، دزدی وسایل دیگران قرار دارند.

در تحلیل رابطه‌ی میزان ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان با متغیرهای مستقل بر اساس خلاصه اطلاعات آماری مندرج در جداول زیر می‌توان گفت:

جدول شماره ۱ - سنجش همبستگی (پیرسون) بین ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان با متغیرهای مستقل

متغیر مستقل	ضریب همبستگی (r)	a	سطح معنی‌داری (Sig...)
سن	0/127	0/05	0/016
توفیق در مدرسه	-0/231	0/01	0/000
خود پنداره	-0/274	0/01	0/000
بعد خانوار	0/064	0/05	0/226
کفایت مادی خانواده	-0/121	0/05	0/021
میزان پیوستگی با والدین	-0/347	0/01	0/000
میزان کنترل خانواده	-0/231	0/01	0/000
میزان پیوستگی با دوستان	0/029	0/05	0/578
پنداشت از جامعه	-0/172	0/01	0/000
پنداشت از معلمان	-0/335	0/01	0/000
پنداشت از مدیر و معاونان	-0/350	0/01	0/000
پنداشت از امکانات مدرسه	-0/031	0/05	0/559

بین سن و ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان همبستگی مستقیم وجود دارد؛ به نحوی که با افزایش سن دانش‌آموزان، ناهنجاری رفتاری در آنان افزایش پیدا کرده است.

تفاوت بین وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان با میزان ناهنجاری‌های رفتاری آنان به لحاظ آماری معنی‌دار است و این رابطه از نوع همبستگی مستقیم است. به نحوی که هر چه معدل دانش‌آموزان بالاتر

باشد در مدرسه و خانه موقعیت بهتری کسب می‌کند. بنابراین، میل دانش آموزان برتر به لحاظ معدل به رعایت هنجارهای مدرسه بیشتر می‌شود.

فرضیه دیگر رابطه‌ی بین خود پنداره و میزان نابهنجاری‌های رفتاری است که در این مطالعه رابطه آن معنی دار است. هرچه خود پنداره دانش آموز مثبت‌تر باشد، میزان نابهنجاری‌های رفتاری دانش آموزان کمتر است.

نتایج این تحقیق نشان داد که بعد خانوار تأثیری در ناهنجاری‌های رفتاری دانش آموزان نداشته است اما بین پنداشت دانش آموزان از کفایت مادی خانواده و نابهنجاری‌های رفتاری آنان همبستگی مستقیم وجود دارد به نحوی که ناکافی بودن درآمد خانواده در بروز نابهنجاری رفتاری دانش آموزان تأثیر داشته است. میزان پیوستگی دانش آموزان با والدین خود و میزان نظارت و کنترل والدین بر عملکرد فرزندان در کاهش ناهنجاری رفتاری آنان در مدرسه تأثیر دارد، به نحوی که هرچه میزان این علقه و نظارت بیشتر باشد باعث کاهش ناهنجاری‌های رفتاری در دانش آموزان می‌شود. این دو رابطه از فرضیه‌های مهم نظریه نظارت، هستند که آزمون‌های آماری آن‌ها را معنی دار نشان داد.

نتایج این تحقیق وجود رابطه‌ی معنی دار بین میزان پیوستگی با دوستان و ناهنجاری‌های رفتاری دانش آموزان را نشان نداد.

پنداشت دانش آموزان از جامعه، معلمان و مدیران مدرسه خود، با میزان ناهنجاری‌های رفتاری آنان رابطه‌ی معنی دار نشان می‌دهد. این رابطه از نوع رابطه مستقیم بوده، به نحوی که هرچه پنداشت دانش آموزان از جامعه، معلمان و مدیران مدرسه خود، مثبت‌تر باشد از ناهنجاری‌های رفتاری آنان کاسته می‌شود. اما پنداشت دانش آموزان از امکانات مدرسه تأثیری در ناهنجاری‌های رفتاری آنان نداشته است.

جدول شماره ۲- تحلیل واریانس ناهنجاری رفتاری بر حسب متغیرهای مستقل

متغیر مستقل	F	Sig...
رشته تحصیلی	۰/۶۳۷	۰/۵۳۵
وضعیت جسمانی	۱/۷۷۸	۰/۰۶۳
وضعیت والدین	۰/۲۸۹	۰/۹۴۲
محل سکونت	۱/۰۱۳	۰/۳۸۷
تحصیلات پدر	۰/۱۴۷	۰/۹۸۱
تحصیلات مادر	۱/۱۷۳	۰/۳۲۳
شغل پدر	۰/۱۹۷	۰/۹۹۴
شغل مادر	۱/۵۳	۰/۲۰۶
نحوه گذراندن اوقات فراغت	۵/۴۳۸	۰/۰۰۰
نوع دوستان	۴۸/۶۹۰	۰/۰۰۰

نتایج آزمون‌های آماری در این تحقیق نشان داد که بین رشته تحصیلی دانش‌آموزان، وضعیت جسمانی دانش‌آموزان، تحصیلات و شغل والدین و محل سکونت با ناهنجاری‌های رفتاری آنان رابطه‌ی معنی‌دار وجود ندارد و فرض وجود رابطه‌ی معنی‌دار بین متغیرهای مستقل فوق با متغیر وابسته موقتاً رد شد اما در سوی دیگر، وجود رابطه‌ی معنی‌دار بین نحوه‌ی گذراندن اوقات فراغت و نوع دوستان دانش‌آموزان با ناهنجاری رفتاری آنان تأیید شد. در راستای تأیید این دو فرضیه آزمون مقایسه چندگانه به روش توکی نشان داد که دانش‌آموزانی که اوقات فراغت خود را با دوستان خود در بیرون از خانه سپری می‌کنند و دانش‌آموزانی که دوستانشان ناهنجار هستند (با بیشترین ناهنجاری) در تعیین میزان ناهنجاری و بهنجاری در بین دانش‌آموزان تأثیرگذار بوده‌اند.

جدول شماره ۳- نتایج آزمون تی تست در بررسی رابطه ناهنجاری‌های رفتاری با متغیرهای مستقل

متغیر مستقل	T	درجه آزادی	Sig
جنس	۶/۷۸۵	۳۶۴	۰/۰۰۰
پایه تحصیلی	-۰/۷۰۴	۳۶۴	۰/۴۸۲
نوع مسکن	-۳/۴۴۸	۳۶۰	۰/۰۰۱

تفاوت میان دختران و پسران و میزان ناهنجاری‌های رفتاری آنان، به لحاظ آماری معنی‌دار است. به نحوی که میانگین ناهنجاری‌های رفتاری در پسران بیشتر از دختران است. دختران به نسبت بیشتر از پسران تحت کنترل و نظارت خانواده‌ها هستند و این مسأله در درونی کردن هنجارها و ارزش‌ها در دختران کمک بیشتری می‌کند از سوی دیگر انتظارات والدین از دختران متفاوت از پسران است، به طوری که دختران غالباً به محض ازدواج، رابطه خود را با اشتغال قطع می‌کنند. این وضعیت در مورد پسران متفاوت است. آینده پسران با اشتغال گره خورده است و اگر تحصیل با توجه به هزینه‌ها و قبول

تأخیر در لذات دوران رشد، نتواند پاسخگوی انتظارات پسران باشد، این احتمال بیشتر است که از قبول هنجارهای رفتاری در مدرسه سر باززند.

نتایج دیگر این تحقیق رابطه معنی داری بین پایه تحصیلی دانش آموزان را با ناهنجاریهای رفتاری آنان نشان نداد. اما نوع مسکن خانواده آنان در بروز ناهنجاریهای رفتاری تأثیر داشته است. میانگین ناهنجاری رفتاری در دو گروه دانش آموزانی که در خانه های شخصی و اجاره ای زندگی می کردند نشان داد که ناهنجاری رفتاری در گروه دوم بیشتر بود و این تفاوت نیز به لحاظ آماری معنی دار به دست آمد.

نتیجه گیری

ناهنجاری رفتاری در بین دانش آموزان متوسطه شهرستان اردبیل در سطح پایین قرار دارد و از بین شاخص های نه گانه این ناهنجاری، فرار از مدرسه در بالاترین سطح و اهتمام به دزدی وسایل دیگران در پایین ترین سطح فراوانی قرار داشت. در راستای تبیین فراوانی مشاهده شده برای فرار از مدرسه می توان از ضعف نظام آموزشی در ایجاد انگیزه و جذب و نگهداری دانش آموزان، تضاد و تعارض در بین وسیله و هدف در جامعه برای احراز شغل نام برد که شایسته تأمل و تعمق است.

از میان متغیرهای فردی رابطه معنی داری سن، جنس، توفیق در مدرسه، خود پنداره دانش آموزان با متغیر وابسته (ناهنجاری رفتاری) تأیید و رابطه ی معنی داری پایه تحصیلی، رشته تحصیلی و وضعیت جسمانی با متغیر وابسته تأیید نشد.

دانش آموزان پسر به نسبت بیشتری به رفتارهای ناهنجار دست زده اند که این مسأله با تکیه بر نظریه نظارت و کنترل اجتماعی قابل تبیین است. مطابق با این نظریه، پیوستگی دختران با خانواده و مدرسه بیشتر است به خصوص پیوستگی با مادر به لحاظ عاطفی که به درونی شدن هنجارهای اجتماعی قوت می بخشد؛ و همانندی دختران با مادر به انتقال هنجارهای اجتماعی می افزاید.

با افزایش سن دانش آموزان، ناهنجاری رفتاری آنها نیز افزایش پیدا کرده است. این رابطه نیز با تکیه بر نظریه کنترل اجتماعی قابل تبیین است.

به نظر متفکران کنترل اجتماعی، با افزایش سن، رشته‌های پیوند افراد با نهادهای سنتی و هنجارمند اعم از خانواده و مدرسه و مذهب سست‌تر شده و حتی گاهی این پیوند گسسته (بحران گسست نسل‌ها) و شکاف عمیقی از این حیث ایجاد می‌شود و فرد احساس بیگانگی می‌کند. در نتیجه فرد استقلال و ابتکار عمل بیشتری به دست آورده و بدون عذاب وجدان اقدام به زیر پا گذاشتن هنجارها و قوانین این نهادها می‌کند.

یافته دیگر این پژوهش وجود رابطه‌ی معنی‌دار معکوس بین توفیق در مدرسه (وضعیت تحصیلی) و رفتار نابهنجار است. گات فردسون و هیرشی، از صاحب‌نظران برجسته‌ی نظریه کنترل به عوامل موقعیتی حافظ درست رفتاری اشاره می‌کنند که توفیق در مدرسه از جمله این موقعیت‌ها است که در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفت.

یافته دیگر این پژوهش مربوط به تأیید وجود رابطه معنی‌دار معکوس بین پنداشت دانش‌آموزان از خود و ناهنجاری رفتاری است که در نظریه کنترل اجتماعی به عنوان حفاظ درونی بر درست رفتاری دانش‌آموزان اثر می‌گذارد. هیرشی و موریس روزنبرگ، اهمیت خاصی بر نظارت‌های درونی قائل شدند، از جمله این نظارت‌ها پنداشت از خود مثبت به لحاظ ارزشمندی و پنداشت از خود به عنوان یک دانش‌آموز موفق است که در تحقیق حاضر هر دوی آن‌ها رابطه معکوس با ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان نشان داد. شکل‌گیری این پنداشت از دوران کودکی آغاز می‌شود و به شیوه‌های تربیتی والدین و مسئولان مدارس بستگی دارد.

یافته دیگر این تحقیق مهر تأییدی است بر دیدگاه اکثر جامعه‌شناسان که تبیین زیست‌شناختی از ناهنجاری را ناکارآمد، می‌دانند. آزمون آماری نشان داد که رابطه‌ی معنی‌داری بین وضعیت جسمانی دانش‌آموزان و ناهنجاری رفتاری آن‌ها وجود ندارد. این یافته نشان داد که تبیین زیست‌شناختی از ناهنجاری ناکارآمد است، چنانچه در اکثر تحقیقات و مطالعات پیشین نیز این ناکارآمدی به اثبات رسیده بود. ساترلند، از برجسته‌ترین منتقدان تبیین زیست‌شناختی از انحراف بود

بین پایه و رشته تحصیلی دانش‌آموزان و ناهنجاری رفتاری آن‌ها رابطه‌ی معنی‌دار یافت نشد. هر دوی آن‌ها اشاره به تبیین خرده‌فرهنگی از ناهنجاری رفتاری دارد. به نظر کوهن، نفی هنجارهای

اجتماعی، رفتاری توأم با نوعی خشم و کینه و جستجوی لذت‌های کوتاه مدت از جنبه های خرده فرهنگ نابهنجار است. یافته های تحقیق حاضر نشان داد که وجود خرده فرهنگ‌های رشته و پایه تحصیلی در مدرسه تأثیری در ناهنجاری رفتاری دانش آموزان نداشته و نظریه خرده فرهنگی در تبیین ناهنجاری رفتاری دانش آموزان مورد مطالعه در تحقیق حاضر ناکارآمد می‌نماید.

روابط معنی داری بین پنداشت از کفایت مادی خانواده، نوع مسکن، میزان پیوستگی دانش آموزان با والدین، میزان کنترل و نظارت خانواده بر عملکرد دانش آموزان با ناهنجاری رفتاری آن‌ها تأیید و رابطه‌ی معنی داری بین بعد خانوار، تحصیلات و شغل والدین و محل سکونت و فقدان والدین با ناهنجاری رفتاری دانش آموزان تأیید نشد.

در تحقیق حاضر ارتباط بین فقر مادی و ناهنجاری رفتاری قویاً مورد تأیید قرار گرفت و دانش آموزانی که از میزان درآمد خانواده‌شان احساس کفایت و رضایت نمی‌کردند دست به ناهنجاری رفتاری بیشتری زده‌اند. این بدان معنی است که ناکافی بودن درآمد خانواده در بروز ناهنجاری رفتاری دانش آموزان مؤثر بوده و این رابطه از نوع معکوس و در راستای تأیید نظریه فقر و انحراف (فرضیه مهم نظریه فشار ساختاری) می‌باشد. اکثر جامعه‌شناسان فقر و بینوایی را از عوامل به وجود آورنده ناهنجاری دانسته و می‌گویند که در فرد فقیر عقده حقارت ایجاد می‌شود و او را به ارتکاب رفتارهایی مغایر با هنجارهای اجتماعی وا می‌دارد.

فرضیه‌ی دیگری که مورد تأیید قرار گرفت این است که نوع مسکن خانواده در ناهنجاری رفتاری دانش آموزان تأثیر داشته است. یافته های تحقیق نشان داد که افرادی که در خانه های اجاره ای زندگی می‌کنند به میزان بیشتری رفتارهای ناهنجار از خود نشان داده و برای تبیین این مسأله می‌توان از آموزه های نظریه کنترل اجتماعی استفاده کرد که تحرک مکانی زیاد و بی سازمانی، هرج و مرجی را در بروز بی تعادلی و در تعارضات فرهنگی و محرومیت مؤثر دانسته و این خود باعث تولید فشار روانی و بی سازمانی شخصیتی و ناهنجاری رفتاری می‌شود (مساوات آذر، ۱۳۷۴).

میزان پیوستگی دانش آموز با والدین و میزان نظارت و کنترل خانواده بر عملکرد دانش آموز و رابطه‌ی معکوس آن‌ها با ناهنجاری رفتاری دو فرضیه مهم نظریه کنترل است که آزمون‌های آماری در این

تحقیق آن‌ها را تأیید کرد. بدین صورت که میزان پیوند دانش‌آموزان با والدین خود در کاهش ناهنجاری رفتاری آن‌ها تأثیر دارد و این تأثیر در میزان نظارت خانواده بر عملکرد فرد نیز صادق است. نوجوانی و جوانی مرحله‌ای زندگی است که فرد به دنبال کسب هویت است. اگر در این مرحله والدین حضوری جدی در زندگی نداشته و وابستگی عاطفی بین آن‌ها و جوان و نوجوان وجود نداشته باشد، جوان و نوجوان با روبه‌رو شدن با الگوهای انحرافی پیرامون خود به الگوبرداری از آن‌ها خواهد پرداخت. زیرا عاملی که سبب تصحیح این حرکت نادرست شود وجود ندارد. ایجاد ارتباط نزدیک و دوستی با افرادی که رفتارهای ناهنجار را در جوان و نوجوان القا و تقویت می‌کنند، سبب گرایش وی به همان چیزی خواهد شد که در اطراف خود می‌یابد.

یافته‌های این تحقیق قویاً بر این نکته تأکید می‌کنند که توجه به جوان و نوجوان و تربیت وی، فراهم کردن زمینه‌های مساعد برای رشد و تقویت رفتارهای صحیح در خانواده‌های سالم و صمیمی با ایجاد انگیزه، تشویق و ترغیب، کنترل و نظارت معتدل بر رفتارهای آنان، نشان دادن واکنش مناسب در مقابل رفتارهای نادرست او به محض مشاهده نخستین کج رفتاری، زمینه‌های مساعد را برای رشد اجتماعی وی فراهم می‌کند و از کشانده شدن به ورطه ناهنجاری که آینده‌اش را خراب می‌کند می‌رهاند.

بیشتر والدین دانش‌آموزان در سطح تحصیلات پایین قرار داشتند که خود نگران کننده است اما تأثیری در ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان نداشته است. همچنین ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان با توجه به نتیجه آماری به دست آمده مستقل از شغل والدین آن‌ها عمل کرده است. بود یا نبود والدین دانش‌آموزان هم تأثیری در ناهنجاری رفتاری آن‌ها نداشته است، در نتیجه این سه فرضیه که از نظریه کنترل استفاده شده بودند به طور موقت رد شدند.

محل سکونت هم تأثیری در ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان نداشته است. از دیدگاه نظریات پیوند افتراقی، مناطق حاشیه‌ی شهر مناطق جرم خیز محسوب شده و میزان نقض هنجارها در این مناطق بیشتر از مناطق دیگر است. در این مناطق باندها و دارو دسته‌های ناهنجار و منحرف تشکیل شده و

افرادی که در این مناطق زندگی می‌کنند از زمینه ناهنجاری بیشتری برخوردار می‌شوند. اما نتایج تحقیق حاضر نا همسو با این نظریه نشان داد.

یافته های تحقیق حاضر نشان داد که دانش آموزانی که بیشتر اوقات فراغت خود را با دوستان خود بیرون از منزل به گردش و خوش گذرانی سپری می‌کنند، ناهنجاری رفتاری در آن‌ها بیشتر است و همچنین اکثر دانش آموزان ناهنجار مورد مطالعه در این تحقیق دوستان خود را ناهنجار معرفی کرده‌اند که از این حیث نیز بر میزان ناهنجاری رفتاری آن‌ها افزوده شده است. در تأیید این یافته می‌توان به نقش گروه دوستان و همسالان ناهنجار در ناهنجاری فرد از دیدگاه نظریه پیوند افتراقی ساترلند و خرده فرهنگی اشاره کرد که در این تحقیق مورد تأیید قرار گرفت.

فرضیه‌ی دیگری که در این تحقیق مورد تأیید قرار گرفت پنداشت دانش آموزان از جامعه است که در ناهنجاری آن‌ها تأثیر دارد. هرچه دانش آموزان جامعه خود جامعه ای قانون مدار، شایسته سالار، قائم به نظم و عدالت محور بدانند به همان میزان اعتبار اخلاقی هنجارهای اجتماعی بیشتر شده و دانش آموز با بیشترین منع درونی در برابر شکستن هنجارهای آن جامعه مواجه می‌شوند و بدین طریق هم‌نوایی با هنجارها افزایش می‌یابد و این یافته همسو با نظریه آنومی دورکیم، فرصت‌های مشروع افتراقی مرتون و کلووارد والین است.

فرضیه‌ی دیگری که مورد تأیید قرار گرفته است پنداشت دانش آموزان از معلم و مدیر و معاونان مدرسه است که در نظریه‌ی نظارت به عنوان حافظه‌ی خارجی بر درست رفتاری دانش آموزان اثر می‌گذارد. به نظر والتر رکلس، احترام به هنجارها و دفاع از آن‌ها در محیط اجتماعی از پوسیدگی و سستی هنجارها جلوگیری می‌کند، مانع آن است که هنجارها فراموش شوند، احساس بیگانگی و سرانجام رها شدن از نفوذ هنجارهای اجتماعی اتفاق بیفتند.

هرچه پنداشت دانش آموزان مورد مطالعه در این تحقیق از معلمان، مدیران و معاونان مدرسه خود مثبت باشد به همان میزان از ناهنجاری رفتاری آن‌ها کاسته می‌شود ولی پنداشت دانش آموزان از امکانات مدرسه تأثیری در ناهنجاری رفتاری آن‌ها نداشته است.

در نتیجه گیری نهایی می‌توان گفت که رفتارهای ناهنجار پدیده‌ای پیچیده و چند بعدی است. در این پژوهش تلاش شده برخی از این عوامل شناخته شود. ساخت اجتماعی و عناصر تشکیل دهنده ساخت در طول زمان تغییر می‌کنند. بنابراین، لازم است که محققان و کارشناسان در طول زمان همواره عوامل جدیدی را که پدید می‌آیند مطالعه کنند.

راهکارها و پیشنهادها

راهکارهای مبتنی بر نتایج این پژوهش را می‌توان از دو زاویه مختلف مطرح کرد: راهکارهای کاربردی و راهکارهای پژوهشی.

الف) راهکارها و پیشنهادهای کاربردی

- برنامه ریزی، به منظور بالا بردن سطح درآمد خانواده‌ها، قدرت والدین را در خانواده افزایش می‌دهد و امکان اثر گذاری و هدایت فرزندان را بیشتر می‌کند. تأکید بر نهاد خانواده بی آن که ابزار لازم برای اثرگذاری را داشته باشد سودمند نخواهد بود.
- برنامه ریزی برای افزایش اطلاعات والدین از خصوصیات دوران رشد و توجه به نیازهای مهم جوانان در این دوره به کاهش فاصله بین والدین و دانش‌آموزان کمک خواهد کرد.
- تحول در نظام آموزشی برنامه‌ها و رشته‌های درسی، بالا بردن سطح کیفیت آموزش و استفاده از مدیران و دبیران کارآمد و مجرب در پرورش کارایی دانش‌آموزان و تقویت امید به اشتغال در آنها مؤثر خواهد بود.
- آموزش خانواده‌ها به منظور ایجاد پیوند قوی‌تر بین والدین و فرزندان ضروری به نظر می‌رسد، به خصوص با توجه به سطح سواد و شغل والدین، که نسبتاً پایین بود.
- اهتمام بیشتر والدین در اعمال نظارت و کنترل دقیق و منطقی بر عملکرد فرزندان خود در ارتباط با نوع پوشش، دوست‌گزینی، انجام تکالیف و غیره در کاهش ناهنجاری دانش‌آموزان مؤثر خواهد بود.
- برنامه ریزی دقیق والدین برای حضور مستمر در مدارس و کسب آگاهی از وضعیت تربیتی و آموزشی فرزندان خود و گسترش تعامل سازنده اولیای دانش‌آموزان با مربیان در جلسات شورای.

- استفاده از زبان ملایم و محبت آمیز در برخورد با دانش آموزان و به‌کارگیری عوامل تشویقی و سیاست‌های ایجابی به جای استفاده از عوامل تهدیدی در کاهش ناهنجاری دانش آموزان مؤثر است.
- مشارکت دادن فرزندان در تصمیم‌گیری‌های خانواده و توجه به نظریه‌های آن‌ها ضروری است.
- افزایش فرصت‌های برابر تحصیلی و شغلی در جامعه، اهتمام به قانون‌مداری، رعایت عدل و انصاف در برخورد با همه اقشار جامعه توسط مسئولین ضروری است.
- تقویت نهاد مشاوره در مدارس و گماردن افراد متخصص در این پست‌ها.
- برای کاهش زمینه‌های بروز آنومی و آشفتگی در سطح مدرسه تدوین و تنظیم برنامه‌های علمی و روشمند و نظارت دقیق و مستمر بر حسن اجرای آن‌ها ضروری است.
- پر کردن اوقات فراغت دانش آموزان از طریق برنامه‌های مختلف علمی، فرهنگی، هنری و ورزشی و نظایر آن نقش زیادی در کاهش ناهنجاری‌ها دارد.

ب) راهکارهای پژوهشی

- شناخت دقیق نگرش فرزندان به والدین کار مهمی است که لازم است توسط محققان استان اردبیل صورت گیرد.
- تدوین طرح‌های تحقیقاتی جهت بررسی همه جانبه پدیده افت تحصیلی در بین دانش آموزان استان اردبیل که یافته‌های تحقیق حاضر رابطه‌ی مستقیمی را بین افت تحصیلی و ناهنجاری رفتاری نشان داد ضروری است.
- اجرای طرح‌های پژوهشی در جهت بررسی عوامل مؤثر در تقویت و بهبود خود پنداره مثبت در دانش آموزان به عنوان حفاظ درونی در برابر ناهنجاری رفتاری ضروری است.

منابع

- ابراکلامی، ن. و همکاران، (۱۹۸۴)، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، انتشارات چاپخش.
- اشرف، ا. (۱۳۵۵)، "گزرفتناری، مسائل انسانی و آسیب‌شناسی اجتماعی، انتشارات آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی.
- بیبی، ا. (۱۳۳۸)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ت.ز. فاضل، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم.
- بخارایی، ا. (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران، تهران، انتشارات پژوهاک جامعه، چاپ اول.
- بیکر، تری آل. (۱۳۸۱)، نحوه‌ی انجام تحقیقات اجتماعی، ت.ده. نایی، نشر روش.
- توسلی، ع.ع. (۱۳۸۰)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات سمت.
- دواس، دی.ای. (۱۳۸۴)، پیمایش در علوم اجتماعی، ت.ده. نایی، نشر نی.
- دهخدا، ع.ا. (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، جلد پانزدهم.

بررسی ناهنجاری‌های رفتاری در دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان اردبیل و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن

- رایبگنن، ا.ل. و اینبرگ، م. (۱۹۳۹)، رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسایل اجتماعی، ت:ر. ا... صدیق سروستانی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم. رفیع پور، ف. (۱۳۷۲)، آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران، آوای نور.
- ریترز، ج. (۱۳۸۳)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ت:م. تلائی، انتشارات علمی، چاپ هشتم.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۸)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلد دوم، چاپ دوم.
- ستوده، ه. ا... (۱۳۸۲)، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، آوای نور، چاپ دهم.
- سختاوت، ج. (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ دوازدهم.
- سختاوت، ج. (۱۳۶۸)، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، جزوه درسی.
- صدیق سروستانی، (۱۳۸۶)، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
- صفوی، ا. ا... (۱۳۷۰)، «تئوری‌های انحرافات»، رشد علوم اجتماعی، وزارت آموزش و پرورش.
- علیخانی، ع. ا. (۱۳۸۲)، گسست نسل‌ها، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، چاپ اول.
- فوضی، م. (۱۳۸۶)، تحلیل آماری با استفاده از Spss، نشر کتاب نو، تهران.
- گرامر، د. (۱۹۴۸)، درآمدی بر کاربرد آمار در تحقیقات اجتماعی، ت: ی. علی بابایی، امیرملکی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- کیدنز، آ. (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی، ت: م. صبوری، تهران، چاپ اول، نشر نی.
- لوزیک، د. (۱۹۴۷)، تگرشی نو در تحلیل مسایل اجتماعی، ت: س. معیدفر، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- مطهری، م. (۱۳۶۶)، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات الزهراء، تهران، چاپ دهم.
- ممتاز، ف. (۱۳۸۱)، انحرافات اجتماعی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- منصورفر، ک. (۱۳۸۵)، روش‌های پیشرفته آماری همراه با برنامه‌های کامپیوتری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- مورفی، ج. بک، ل. (۱۹۴۹)، مدیریت مبتنی بر مدرسه، به منزله اصلاح مدرسه، ت: ف. کریمی، تهران، وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- میلر، د. (۱۳۸۰)، راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی، ت: ه. نایی، تهران، نشر نی، چاپ اول.
- ورسلی، پ. (۱۳۷۳)، نظم اجتماعی در نظریه جامعه‌شناسی، ت: س. معید فر، تهران، انتشارات تیبان، چاپ اول.
- پورتجف، (۸۲-۱۳۸۱)، بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان ایلام، کارشناس تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان ایلام.
- رئیس، ج. (۱۳۸۲)، جوانان و ناهنجاری‌های رفتاری، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۱.
- سختاوت، ج. (۱۳۸۱)، بررسی عوامل مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری در دانش‌آموزان استان لرستان، مجله جامعه‌شناسی، دوره چهارم، شماره ۲.
- سید نواز، ج. (۱۳۸۲)، بررسی میزان گرایش به سیگار در بین دانشجویان اردبیل، دانشگاه آزاد اردبیل.
- فراهانی، م. ت. (۱۳۶۵)، بررسی رابطه ساخت خانواده با رفتارهای پرخطرهای پرخطرگران دانش‌آموزان پسر در مدارس شهر تهران، تهران، انتشارات مدرسه.
- مشکانی، م. ر. (۱۳۸۳)، سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان (آزمون تجربی نظریه ترکیبی کنترل اجتماعی و بیوند اقتراقی)، مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، چاپ اول.
- نوربخش، س. م. و درویش، ع. ر. (۱۳۷۵)، بررسی اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان: بزهکاری، ضد اجتماعی - وندالیسم، مجله راه آهن، دوره سی و نهم، شماره ۴.
- نیک اختر، ع. (۱۳۷۹)، بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر خرابکاری به عنوان نوعی رفتار بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های شیراز، طرح پژوهشی.